

شرائع الإسلام

(الجزء الثاني)

شرايع اسلام

(جلد دوم)

فهرست

كتاب الخمس

كتاب خمس

الفصل الأول: في ما يجب فيه

فصل اول: آنچه به آن خمس تعلق می گیرد

الفصل الثاني: في قسمته

فصل دوم: تقسيم خمس

كتاب الخمس

كتاب خمس

وفيه فصلان:

که مُشتمل بر دو فصل است:

الفصل الأول: في ما يجب فيه

فصل اول: آنچه به آن خمس تعلق می گیرد

وهو سبعة:

که شامل هفت مورد است:

الأول: غنائم دار الحرب مما حواه العسكر وما لم يحوه من أرض وغيرها، ما لم يكن غصباً من مسلم أو معاهد، قليلاً كان أو كثيراً.

اول: غنایم جنگی

هر آنچه لشکر تصاحبش می کند، چه آن را قبض کرده باشد (مانند سلاح دشمن و...) یا نه (مانند زمین یا غیر آن) که البته از مسلمان یا هم پیمان های مسلمین غصب نشده باشد؛ و فرقی ندارد غنایم کم باشند یا زیاد.

الثاني: المعادن سواء كانت منطبعة كالذهب والفضة والرصاص، أو غير منطبعة كالياقوت والزبرجد والكحل، أو مائة كالقير والنفط والكبريت. ويجب فيه الخمس بعد المؤونة.

دوم: معادن

فرقی ندارد فلزی باشند - مثل طلا و نقره و سرب - یا غیر فلزی - مثل یاقوت و زبرجد و سرمه - یا اینکه مایع باشند - مثل قیر و نفت و گوگرد - در مورد معدن، مقدار خمس پس از کم کردن هزینه ها محاسبه می شود.

الثالث: الكنوز، وهو كل مال مذخور تحت الأرض، فإن بلغ عشرين ديناراً وكان في أرض دار الحرب، أو دار الإسلام، وليس عليه أثره وجب عليه الخمس. ولو وجده في ملك مبتاع عرفه البائع، فإن عرفه فهو أحق به، وإن جهله فهو للمشتري وعليه الخمس. وكذا لو اشترى دابة ووجد في جوفها شيئاً له قيمة، ولو ابتاع سمكة فوجد في جوفها شيئاً أخرج خمسه وكان له الباقي، ولا يعرف.

سوم: گنج

گنج شامل هر مالی می شود که زیر زمین ذخیره شده باشد؛ پس اگر ارزش آن بالغ بر بیست دینار شد و در سرزمین دشمن باشد یا اگر در سرزمین اسلامی پیدا شود و اثری از اسلام در آن نباشد، در این صورت خمس بر آن واجب است.

چنانچه در ملکی که خریداری کرده است گنجی پیدا کند به فروشنده می گوید، اگر آن را شناخت پس مال اوست، اما اگر آن را نشناخت، متعلق به مشتری خواهد بود و باید خمسش را بپردازد.

اگر حیوانی بخرد و در شکمش چیزی قیمتی پیدا کند نیز به همین صورت خواهد بود؛⁽¹⁾ البته اگر ماهی بخرد و درون شکم ماهی چیزی بیابد خمسش را می‌پردازد و باقیمانده، مال خودش خواهد بود و نیازی نیست برای شناسایی آن شیء به کسی مراجعه کند.

تفریع:

إذا وجد كنزاً في أرض موات من دار الإسلام وعليه أثر الإسلام فهو للإمام، ولن أخرجهُ مؤنة الإخراج وأجر الإخراج. ولو وجده في ملك مبتاع عرفه البائع، فإن عرفه فهو أحق به، وإن جهله فهو للإمام.

نکته: اگر گنجی در زمین موات (بایر) در سرزمین اسلامی پیدا شود و بر رویش نشانه‌ای از اسلام باشد حق امام است و کسی که آن را استخراج کرده، هزینه و اجرت استخراج را دریافت می‌کند؛ و اگر آن را در ملکی که خریده است پیدا کند به فروشنده می‌گوید اگر آن را شناخت، مال اوست و اگر شناخت حق امام است.

الرابع: كل ما يخرج من البحر بالغوص كالجواهر والدرر بشرط أن يبلغ قيمته ديناراً فصاعداً، ولو أخذ منه شيئاً من غير غوص يجب الخمس فيه، كما لو أخرج بالآلة.

چهارم: هر چیزی که با غواصی یا بدون غواصی (مثلاً با کمک وسیله‌ای) از دریا استخراج شود -مانند جواهر و مروارید- اگر قیمتش یک دینار یا بیشتر باشد، خمس دارد.

تفریع: العنبر إن أخرج بالغوص روعي فيه مقدار دينار، وإن جني من وجه الماء أو من الساحل كان له حكم المعادن.

نکته: عنبر⁽²⁾ اگر با غواصی به دست آید وقتی یک دینار یا بیشتر باشد خمس دارد، اما اگر از روی سطح آب یا ساحل گرفته شود حکم معدن را خواهد داشت.⁽³⁾

الخامس: ما يفضل عن مؤونة السنة له ولعياله من أرباح التجارات والصناعات والزراعات

پنجم: آنچه از سود تجارت، تولیدات و کشاورزی (که انجام داده است) از هزینه سالانه او و خانواده‌اش اضافه بیاید.

1 - باید به فروشنده بگوید و اگر مال فروشنده نبود، می‌تواند آن را تصاحب کند. (مترجم)

2- نوعی گیاه در کف دریا یا نوعی عطر. (مترجم)

3- یعنی بعد از کم کردن هزینه‌ها، خمس محاسبه می‌شود. (مترجم)

السادس: إذا اشترى الذمي أرضاً من مسلم وجب فيها الخمس على الذمي، سواء كانت مما وجب فيه الخمس كالأرض المفتوحة عنوة، أو ليس فيه كالأرض التي أسلم عليها أهلها.

ششم: هنگامی که ذمی⁽⁴⁾ از مسلمان زمین بخرد، پرداخت خمس آن بر ذمی واجب می شود، چه زمینی باشد که در آن خمس واجب است، مانند زمینی که به وسیله جنگ تصرف شده باشد، یا واجب نباشد، همانند زمینی که مردمش خود مسلمان شده باشند.

السابع: الحلال إذا اختلط بالحرام ولا يميز وجب فيه الخمس.

هفتم: حلال وقتی با حرام مخلوط شده باشد و نتوان آن ها را از هم جدا کرد، خمس آن واجب می گردد.

فروع:

نکات:

الأول: الخمس يجب في الكنز سواء كان الواجد له حراً أو عبداً، صغيراً أو كبيراً وكذا المعادن والغوص.

اول: خمس گنج و معادن و آنچه با غواصی از دریا گرفته شده باشد واجب است؛ فرقی ندارد یابنده اش آزاد باشد یا بنده، کودک باشد یا بزرگسال.

الثاني: لا يعتبر الحول في شئ من الخمس، ولكن يؤخر ما يجب في أرباح التجارات احتياطاً للمكتسب.

دوم: در هیچ یک از مواردی که خمس در آن ها واجب است (برای پرداخت خمس) گذشتن یک سال بر آن مال شرط نیست، فقط خمس واجب شده در سود تجارتها را می تواند یک سال به تأخیر بیندازد (5) که این هم برای رعایت حال کاسب بوده است.

الثالث: إذا اختلف المالك والمستأجر في الكنز، فإن اختلفا في ملكه فالقول قول المؤجر مع يمينه، وإن اختلفا في قدره فالقول قول المستأجر.

4- کافران دو گروهاند: اهل کتاب (کتابی) و غیر اهل کتاب. غیر اهل کتاب، راهی جز پذیرش اسلام ندارند، اما اهل کتاب سه راه پیش رو دارند: پذیرش اسلام، جنگ و التزام به شرایط ذمه. (مترجم)
به کسانی که راه سوم را انتخاب کنند و به شرایط ذمه ملتزم شوند، اهل ذمه یا ذمی گفته میشود و حکومت اسلامی در قبال تعهد ایشان به شرایط ذمه، متعهد است از آنان به عنوان شهروند حمایت کند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان را ندارد. (مترجم)

5- یعنی ابتدای سال خمسی آن را پرداخت کند. (مترجم)

سوم: هنگامی که بین مالک و مستأجر در مورد گنج اختلاف پیش آید، اگر اختلاف در مالک بودن باشد حرف مؤجر با سوگند پذیرفته می شود و اگر در مقدار آن اختلاف داشته باشند حرف مستأجر پذیرفته می شود.

الرابع: الخمس يجب بعد المؤنة التي يفتقر إليها إخراج الكنز والمعدن من حفر وسبك وغيره.

چهارم: بعد از اینکه هزینه های مورد نیاز برای بیرون آوردن گنج و استخراج معدن مانند حفاری و پاک سازی و غیره - کسر شد، آنگاه خمس (آنچه باقی مانده) واجب خواهد بود.